

# تحلیل رابطه فقر اقتصادی با کجرفتاری جنسی در میان جوانان شهر تهران<sup>۱</sup>

جلیل عزیزی\*

## چکیده

مفهوم فقر اقتصادی به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد تقریباً با تمامی موضوعات و مسائل مطرح در حوزه انسانی، اقتصادی و اجتماعی، از جمله حوزه آسیب‌های اجتماعی و به خصوص کجرفتاری و ابعاد مختلف آن، ارتباط پیدا می‌کند. با توجه به این تأثیرات متقابل، هدف مقاله حاضر بررسی و شناسایی رابطه بین فقر اقتصادی و کجرفتاری جنسی است. این مطالعه با استفاده از روش میدانی و تکنیک پیمایش در بین ۴۰۰ نفر از جوانان ۱۸-۲۵ ساله شهر تهران و شمیرانات صورت پذیرفته است. برای تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره، تحلیل مسیر و تحلیل عاملی استفاده شده است. یافته‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره بیانگر عدم ارتباط مستقیم معنادار بین این دو متغیر به صورت مستقیم است، درحالی‌که با تحلیل مسیر، برخی از مسیرهای معنادار تشخیص داده شده‌اند.

**مفاهیم کلیدی:** فقر اقتصادی، کجرفتاری اجتماعی، کجرفتاری جنسی، فرهنگ بزهکاری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- این مقاله بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی اینجانب در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد که به راهنمایی دکتر فرامرز رفیع پور و مشاوره دکتر مسعود چلبی به انجام رسیده است.  
\* کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی از دانشگاه شهید بهشتی تهران

**مقدمه**

کجرفتاری پدیده‌ای اجتماعی است که دارای بستری اجتماعی است، هر چند که عوامل مختلف بیولوژیکی، جغرافیایی، اقتصادی و دیگر عوامل، در نحوه شکل‌گیری و شیوع آن، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. در این مقاله به بررسی نقش فقر اقتصادی، در ایجاد کجرفتاری جنسی در میان جوانان شهر تهران می‌پردازیم. در جامعه‌شناسی و اقتصاد از مفهوم فقر برای نشان دادن وضعیت نامناسب اقتصادی افراد و خانواده‌ها استفاده می‌شود. مفهوم اجتماعی فقر، مفهوم جامعی است؛ چرا که می‌تواند ضمن مشخص کردن محدوده آن، پذیرش و تأیید این مسئله از سوی دولتها، به عنوان معضلی در درون جوامع، راه‌حلهایی را نیز جهت خروج فقرا از این وضعیت ارائه کند (کوپر، ۲۰۰۱: ۶۵۵).

**واکاوای منابع موضوع**

تعریف فقر، ملاحظات علمی، اجتماعی و سیاسی زیادی را به خود جلب کرده است. (کوپر، ۲۰۰۱: ۶۵۵). فقر یک مفهوم چند وجهی و در حال حاضر یک مفهوم با تعاریف متفاوت است که در حوزه اقتصادی با حوزه اجتماعی آن تفاوت به نظر می‌رسد. این ویژگی باعث شده است که علاوه بر تعاریف متفاوتی که در حوزه اقتصادی و اجتماعی با آن مواجه هستیم در مورد سنجش آن نیز با ابهاماتی مواجه باشیم. بررسی و مرور تعاریف گوناگون، احتمالاً نسبت به تعیین معرف‌های مشترک برای مفهوم فقر اقتصادی کمک خواهد کرد و از این طریق می‌توان یک سنجش مشترکی را از این مفهوم به عمل آورد. بنابراین در زیر به برخی از این تعاریف و ابعادبندی‌ها اشاره می‌شود.

واژه فقر در رابطه با سطح عمومی زندگی در جامعه، توزیع ثروت و نظام منزلت اجتماعی و چشم‌داشت‌های جمعی، مفهومی نسبی به شمار می‌رود. عواملی چون وضع تغذیه، سرپناه، پوشاک و آموزش در درجه اول اهمیت قرار دارد که فقدان حداقل آنها، فقر مطلق را سبب می‌شود؛ لیکن در مرحله بعد نیازهای بهداشتی و گذران اوقات فراغت مطرح می‌گردد و در مراحل بعدی، به علت فقر جدامانگی و انزوای اجتماعی رخ می‌دهد. از سوی دیگر، به علت فقر، احساس بی‌قدرتی و با خود بیگانگی مطرح می‌گردد و عدم امکان برخورداری از حقوق فردی و اجتماعی (بعد فقر) رخ می‌نماید، نهایتاً تمامی عوامل یاد شده به فشارها و تنشهای روحی و روانی فقرا منجر می‌شود (پیران، ۱۳۷۵: ۱۰۱).

هورتن<sup>۱</sup>، فقر را شرایطی می‌داند که در آن اشخاص آن قدر پول ندارند که حداقل استاندارد سلامت و بقاء را (به نحوی که در جامعه و توسط اکثریت مردم شرایط عادی تلقی می‌شود) دارا باشند. (محسنی، ۱۳۷۸: ۱۹۱).

رابرت چمبرز، آسیب‌پذیری را به معنای فقدان پشتوانه حفاظتی و حمایتی در برابر پیشامدهای اجتماعی چون رسوم اجتماعی (تدارک جهیزیه عروسی، عزاداری و یا تهیه سرمایه برای اعضای خانواده)، مصیبتها (قحطی، دزدی)، بلایای طبیعی، ناتوانی‌های جسمانی (بیماری، زایمان‌های پی در پی)، هزینه‌های غیر تولیدی و بهره‌کشی یا استثمار بکار می‌برد (ازکیا، ۱۳۸۱: ۳۲).

رهیافت‌های علمی و تاریخی متفاوتی وجود دارد که در مباحث امروزی، انواع فقر را از یکدیگر متمایز می‌کند که می‌توان در این رابطه به فقر معیشتی یا مطلق<sup>۱</sup> و محرومیت نسبی اشاره کرد (کوپر، ۲۰۰۱: ۶۵۵).

فقر معیشتی یا مطلق دلالت بر حالتی دارد که در آن حداقل درآمد ثابت وجود دارد که این درآمد، پائین‌تر از مقداری است که از نظر فیزیولوژیکی و زیستی، کارایی داشته باشد و نمی‌تواند نیازهای فیزیولوژیکی را تأمین کند. فقر نسبی، تنها به وسیله مراجعه به استانداردهای زندگی افراد یک جامعه خاص، میزانش مشخص می‌شود. این محدوده (اندازه) بر اساس سطحی از نیازهای اقتصادی برای افراد جهت مشارکت در نقشهایی با دامنه وسیع روابط و مصارفی که شامل همه اعضا جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، می‌شود (کوپر، ۲۰۰۱: ۶۵۶).

محققان فقر، بیشتر گرایش به تعریفی نسبی از فقر دارند و آن را مناسبتر می‌دانند و در اندازه‌گیری از سه راه مختلف استفاده می‌کنند:

رهیافت توافق اجتماعی<sup>۲</sup>، بر اساس توافق عمومی مشترک، بر سر اینکه چه کالاها و خدماتی را برای زندگی روزانه ضروری می‌دانند.

رهیافت بودجه استاندارد<sup>۳</sup>، بر اساس برداشت علمی و حرفه‌ای که متخصصان در مورد اینکه چگونه انواع مختلف خانواده‌ها به نیازهای مشترکی در زندگی نیاز دارند ارائه می‌دهند.

رهیافت رفتاری<sup>۴</sup>، این امر را بررسی می‌کند که چگونه رفتار واقعی افراد وابسته به سطوح مختلف درآمدی است (کوپر، ۲۰۰۱: ۶۵۷).

بانک جهانی نیز بر اساس آمارهای درآمد و مصرف به طبقه‌بندی انواع فقر و بر این اساس تقسیم‌بندی فقرا پرداخته است.

۱- فقرای مزمن<sup>۵</sup>: یعنی تمام کسانی که در جریان عادی زندگی و برای مدتی طولانی فقیر محسوب شده‌اند.

۲- مردمان در مرز فقر<sup>۶</sup>: یعنی کسانی که با اندک تغییرات در درآمد یا بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها، فقیر محسوب خواهند شد.

۳- فقرای جدید<sup>۷</sup>: یا قربانیان مستقیم سیاست تعدیل که همان تعدیل ساختاری<sup>۸</sup> است و سبب گسترش بی‌مانند فقر گردیده و خواهد گردید (پیران، ۱۳۷۵: ۱۰۲).

بنابراین، آنچه از اصطلاح فقر در اقتصاد جامعه‌شناسی و حوزه‌های وابسته به آن فهمیده می‌شود، نداری است. این نداری به صورت مطلق و یا نسبی قابل طرح است.

1- Absolute Poverty.

2- Social consensus approach

3- Budget standard approach.

4- Behavioral approach.

5- Chronic poor.

6- Border - Line poor.

7- New poor.

8- Structure Adjustment.

پس از توصیف مفهوم فقر اقتصادی، به بررسی و تعریف متغیر وابسته مان یعنی کجرفتاری جنسی می‌پردازیم. بدین منظور ابتدا سعی می‌شود مفهوم کجرفتاری به صورت نظری و کاربردی شفاف گردد، سپس وجه مورد نظر یعنی کجرفتاری جنسی تعریف شود. جامعه‌شناسان هر یک کجرفتاری را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند، به نظر می‌رسد هر یک از این تعاریف به نوعی از گرایش‌های نظری آنان برخاسته باشد. دورکیم، کجرفتاری را عملی می‌داند که بعضی از احساسات جمعی را جریحه‌دار می‌کند (ممتاز، ۱۳۸۰: ۷۵). مرتون، معتقد است، رفتار کجرو، رفتاری است که به شکلی آشکار، با هنجارهایی که برای پایگاه‌های اجتماعی افراد تعیین شده متفاوت باشد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۹). مارشال کلینارد<sup>۱</sup>، معتقد است، این اصطلاح را باید برای شرایطی بکار برد که در آن رفتار و صورتی ناپسند می‌یابد و ناپسندی آن چنان است که از حدود اعماض جامعه فراتر می‌رود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۹۲). بکر<sup>۲</sup>، کجرفتاری را نقص روشهای موافق قاعده حاکم بر جامعه تعریف کرده است (کوزر، ۱۳۷۸: ۴۸۵). میشل بست، کجرفتاری را شامل رفتارهایی می‌داند که در دوره‌ای معین و جامعه‌ای مشخص، با مقررات اجتماعی و رویه‌های مشروع تفکر و عمل ناسازگار شناخته می‌شود (بست، ۱۳۷۲: ۶۱). ترنر کجرفتاری را شامل رفتارهایی می‌داند که از هنجارهای پذیرفته شده در سطح گسترده تخلف کند (ترنر، ۱۳۷۸: ۳۵۲). گیدنز، کجرفتاری را ناهمنوایی با هنجار یا مجموعه هنجارهای معینی تعریف می‌کند که توسط تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم در اجتماع یا جامعه‌ای پذیرفته شده است. (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۳۰)

### چارچوب نظری

تئوری‌های مختلفی در طول چند دهه اخیر سعی نموده‌اند رابطه فقر اقتصادی و کجرفتاری را بررسی نمایند. تورنبرگ<sup>۳</sup> معتقد است، رهیافتهای اخیر جامعه‌شناسان در علت‌شناسی کجرفتاری و جرم می‌تواند در چهار دیدگاه کنترل، فشار، یادگیری اجتماعی و تلفیقی جمع شود (تورنبرگ، ۱۹۸۴: ۳۹۸). ما در این مقاله به بررسی دیدگاههای کنترل، فشار، بی‌سازمانی اجتماعی، تضاد و فرهنگ کجرو پرداخته ایم.

- فرض نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی (دورکیم، رکلس، هیرشی) این است که یک نظام هنجاری وجود دارد که انحرافات اجتماعی از آن بیرون می‌آید. آنان معتقدند که اکثر مردم با ارزشهای مسلط و حاکم هم‌نوا هستند و دلیل آن وجود کنترل‌های درونی و بیرونی است. کنترل‌های درونی شامل هنجارهای درونی شده و ارزشهایی که فرد آنها را می‌آموزد، است. کنترل‌های بیرونی، شامل پاداش‌های اجتماعی به خاطر هم‌نوایی و مجازات‌های اجتماعی به خاطر کجرفتاری است که فرد دریافت می‌کند (هورتن، ۱۹۸۴: ۱۷۷).

- صاحب‌نظران دیدگاه فشار معتقدند که جرم و کجرفتاری به عنوان نتیجه مستقیم محرومیت و خشم طبقه پائین است. آنها معتقدند اگر چه بیشتر افراد ارزشها و اهداف مشترکی دارند؛ اما توانایی دستیابی به اهداف شخصی به وسیله طبقه اقتصادی، اجتماعی مشخص می‌شود. آنان معتقدند در

1- M. B. Clinard.

2- Becker.

3- Thornberg.

فشار نسبی، افراد فقیر ممکن است از روش‌های انحرافی از قبیل دزدی و توزیع اجتماعی در دستیابی به اهداف استفاده کنند و یا اینکه اهداف اجتماعی مورد قبول را رد کنند بیشتر اهداف انحرافی را جانشین آن کنند (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۰۰).

به طور خلاصه می‌توان گفت: کانون عمده توجه در این رویکرد، توجه به گونه‌هایی خاص از مناطق محلی از جمله محله‌های فقیرنشین مرکز شهر معطوف است. ایده‌ای که می‌توان آن را در تعبیری دقیقتر با مضمون پایدار ماندن نوعی فرهنگ خشونت در میان طبقات فرودست<sup>۱</sup> و جدید شهری بیان کرد که حیات خود را درون فضایی آکنده از بی‌سازمانی اجتماعی و انزوای اجتماعی و فرهنگی ادامه می‌دهد، بی‌سازمانی و انزوایی که خود از تمرکز سه عنصر فقر، از هم گسیختگی خانواده و ناپایداری محل سکونت در این طبقه سرچشمه می‌گیرد (وایت، ۲۰۰۳: ۱۶۳).

عناصر اصلی فشار را می‌توان در نمودار زیر دید (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۰۶).



مرتون، اگنیو، کوهن، کلوارد و اوهلین از جمله نظریه پردازان این دیدگاه می‌باشند. آنان معتقدند که برخی از نوجوانان طبقه پایین که قادر به کسب موفقیت از راه‌های مشروع و غیرمشروع نیستند، به شکستی دچار شده‌اند که زائیده عدم دستیابی مشروع به اهداف و دیگری عدم موفقیت در ایجاد فرهنگ جنایی و ستیزه‌جویانه است. این سنخ از افراد به طریقه‌هایی برای مثال مصرف مواد مخدر روی می‌آورند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۷).

- **تئوری بی‌سازمانی اجتماعی**<sup>۱</sup>: این نظریه بر عوامل محیطی (بخصوص محلات) در توزیع جرم و کجرفتاری تمرکز می‌کند و فرضیه آن این است که علت اصلی اختلافات در تخلف از هنجارها در محلات مختلف، به توانایی محلات در مهار کردن ساکنان آن محلات باز می‌گردد (مارکویتز، ۲۰۰۱: ۲۹۳).

بر اساس این دیدگاه، شاخص‌های بی‌سازمانی اجتماعی شامل، نرخ بیکاری بالا، نرخ افت تحصیلی در مدارس، ناسازگاری درون خانواده، سطوح پائین درآمد و تعداد زیاد خانواده‌های تک والدینی است ساکنین در این محیطها، دچار تضاد و ناامیدی می‌شوند در نتیجه رفتارهای ضد اجتماعی رونق می‌گیرد (سیگل، ۲۰۰۱: ۱۹۲). به نظر می‌رسد، احتمال بی‌سازمانی اجتماعی با ناهمگنی افراد و چرخش آنها (ثابت نبودن در محله) افزایش می‌یابد (بوریسک، ۱۹۸۸: ۵۲۱).

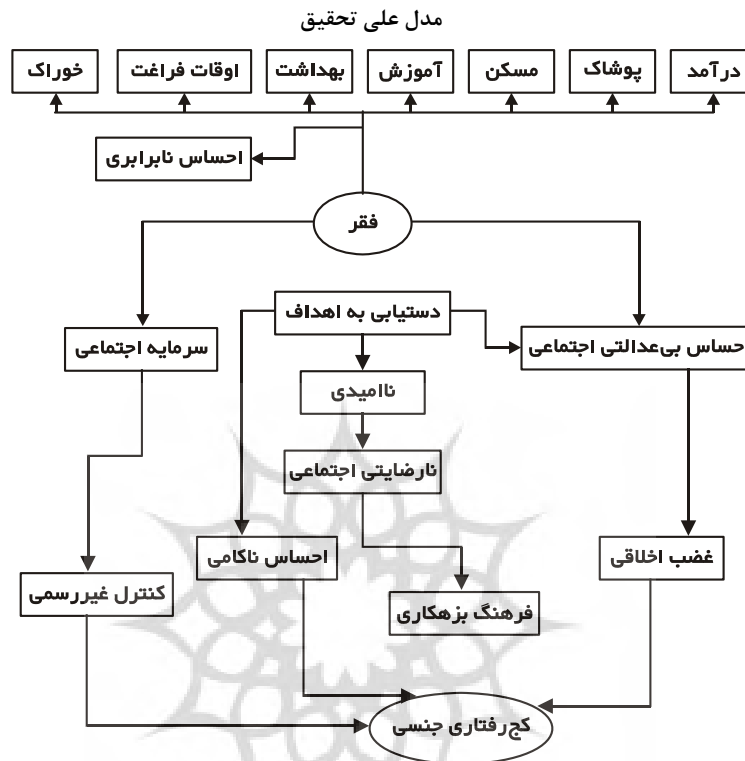
- **مکتب تضاد**، انحراف را زائیده ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه طبقاتی در نظر می‌آورد. پیروان این مکتب جامعه را به عنوان عرصه تضادها و مبارزات دانسته و در تحلیل خود از مسائل اساسی از قبیل روابط حاکمیت، تقسیم کار، توزیع نامساوی امکانات اقتصادی کار و تغییرات و دگرگونی‌های اساسی بحث می‌کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۱۲). این دسته از تئوری‌ها معتقدند که قوانین بر اساس محافظت از علایق ثروتمندان (توانمندترین) بخشهای جامعه ایجاد شده‌اند و بنابراین خیلی از فعالیت‌هایی که جرم محسوب می‌شوند، به طور بی‌تناسبی فعالیت‌های افراد بی‌بضاعت و کم توانا را (فقر، سیاهان و ...) را شامل می‌شود (هیندلای، ۱۹۷۸: ۹۴).

- **تئوری فرهنگ کجرو**، معتقد است ناکامی و افسردگی اعضای طبقه پائین، خرده فرهنگ مستقلی را با مجموعه خاصی از قواعد و ارزش‌هایش خلق می‌کند. در حالی که فرهنگ طبقه متوسط تأکید بر سخت به تأخیر انداختن ارضای آموزش رسمی و محتاط بودن دارد، خرده فرهنگ طبقه پائین تأکید بر هیجان، قلدری، ریسک کردن، بی‌پروایی و ارضای آنی دارند. خرده فرهنگ طبقه پائین یک جایگزین جذابی برای اعضای طبقه پائین است؛ چرا که فقیران شهری در می‌یابند که این غیرممکن است که خواسته‌های رفتاری شان توسط طبقه متوسط جامعه جواب داده شود. به عبارت دیگر، هنجارهای خرده فرهنگ (پائین جامعه) اغلب با ارزشهای مرسوم جامعه درگیر است. ساکنان محلات فقیر، به صورت اجباری از قانون تخلف می‌کنند؛ چرا که آنها از هنجارهای فرهنگ کجرو اطاعت می‌کنند، با توجه به اینکه آنها در تضاد آنی با قانون هستند (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۰۹).

پس از بررسی تئوری‌های مربوطه، مدل علی تحقیق به شکل زیر طراحی گردید. لازم به اشاره است

که تمام مسیرهای علی این مدل از تئوری‌های مرتبط با موضوع، استخراج گردید.

همانطور که در مدل علی تحقیق مشاهده می‌شود، فقر اقتصادی به عنوان متغیر مستقل، در دو بعد مطلق و نسبی در نظر گرفته شده است. فقر مطلق با هفت معرف خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش، بهداشت، درآمد و اوقات فراغت و فقر نسبی نیز با معرف احساس نابرابری مورد سنجش قرار گرفتند. از ترکیب این دو بعد، فقر کل ساخته شد. (لازم به اشاره است که این معرف سازی با نظر استاد راهنما، دکتر رفیع پور و استاد مشاور، دکتر چلبی انجام پذیرفت).



### روش تحقیق

جامعه آماری هر تحقیقی مجموعه‌ای از افراد یا واحدهایی است که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند (سرمد و دیگران، ۱۳۸۰: ۷۷). جامعه آماری در تحقیق حاضر، جوانان تهرانی ساکن در مناطق مختلف تهران و شمیرانات هستند که در محدوده سنی (۱۸-۲۵) سالگی قرار دارند. حجم نمونه در تحقیق حاضر، بر اساس میزان خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد (دواس، ۱۳۷۶: ۷۸) تعیین گردیده است. به این صورت که در این پژوهش حجم نمونه با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵، ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، ۲۴ مورد از پرسشنامه‌های خدشه‌دار حذف گشته و تحلیل‌های نهایی بر اساس نمونه ۳۷۶ موردی انجام پذیرفت.

به منظور انتخاب مناطقی از شهر تهران که بتواند به لحاظ پایگاه طبقاتی معرف خوبی برای پایگاه طبقاتی بالا، متوسط و پایین باشد، در ابتدا شهر تهران بر اساس مناطق ۲۲ گانه شهرداری به سه بخش شمال (معرف پایگاه طبقاتی بالا)، مرکز (معرف پایگاه طبقاتی متوسط) و جنوب (معرف پایگاه طبقاتی

پايين) تقسيم گرديد. سپس از هر قسمت دو منطقه شامل، مناطق ۱ و ۳ از شمال، مناطق ۶ و ۱۲ از مرکز و مناطق ۱۶ و ۱۹ از جنوب به عنوان مناطق مورد نظر انتخاب شدند. اين پراکندگي مناطق در عمل پراکنش متغيرهاي تحت مطالعه را تا حد قابل ملاحظه‌اي تأمين مي‌کند. جهت انتخاب تصادفي افراد، نقشه‌هاي مناطق مذکور تهيه شد و در آنها براي هر منطقه بلوکها مشخص شده و شماره‌گذاري گرديد. سپس از هر منطقه دو محله و از هر محله سه بلوک بطور تصادفي انتخاب گشت. اين نقشه‌ها به تعداد پرسشگران تکثير شد و در اختيار آنها قرار گرفت.

محلله‌هاي انتخابي	مناطق انتخابي	منطقه جغرافيايي	رديف
تجريش	منطقه يك	شمال شهر	۱
نياوران			
کاووسيه	منطقه سه		
حسن‌آباد			
اميرآباد	منطقه شش	مرکز شهر	۲
بهجت‌آباد			
مولوي	منطقه دوازده		
خاني‌آباد			
نازي‌آباد	منطقه شانزده	جنوب شهر	۳
محمدآباد			
خاني‌آباد نو	منطقه نوزده		
عبدالآباد			

واحد تحليل در تحقيق حاضر فرد و سطح تحليل نيز خرد است. روش بکار رفته ميداني، با استفاده از تکنیک پيمائش، و ابزار ما نيز پرسشنامه همراه با مصاحبه است. در تحقيق حاضر علاوه بر اعتبار عملي از اعتبار صوري نيز بهره گرفته شده است. اعتبار عملي بدین معنا که معرف‌هاي هر متغير در تحليل عملي قابليت بار شدن روی یک عامل را داشته‌اند. در تحقيق حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ، پايابي مقیاس‌ها مورد سنجش قرار گرفته شده و گويه‌هايي که موجب کاهش ضريب آلفای مقیاس شدند از مقیاس حذف گرديدند.



### یافته‌های تحقیق

در این بخش رابطه متغیرها به صورت دو به دو و بر اساس فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور از ضریب همبستگی پیرسن، آزمون T با نمونه‌های مستقل و آزمون تحلیل واریانس استفاده می‌شود تا متغیرهای مورد نظر با یکدیگر در ارتباط گذاشته شده و شدت و جهت روابط و همچنین معناداری تفاوت موجود بین آنها بررسی شود.

\* روابط همبستگی بین ابعاد فقر اقتصادی و کجرفتاری جنسی

به منظور بررسی روابط بین ابعاد فقر اقتصادی و کجرفتاری جنسی در تحقیق حاضر، با یکدیگر در ارتباط گذاشته شد تا شدت و جهت روابط مورد بررسی قرار گیرد. نتایج به دست آمده در جدول (شماره ۱) آورده شده است.

با در نظر گرفتن موارد فوق، جدول (شماره ۱) نشان می‌دهد فقر مطلق، نسبی و کل با کجرفتاری جنسی، رابطه مستقیم غیر معنادار دارد.

جدول شماره ۱: ماتریس همبستگی ابعاد متغیر مستقل با کجرفتاری جنسی

متغیرها	فقر مطلق	فقر نسبی	کجرفتاری جنسی	فقر کل
فقر مطلق	۱			
فقر نسبی	۰/۱۴۰***	۱		
کجرفتاری جنسی	-۰/۰۱۰	۰/۰۱۵	۱	
فقر کل	۰/۷۵۵***	۰/۷۵۵***	-۰/۰۰۲	۱

\* روابط همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته

برای بررسی روابط همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته، متغیرهای مستقل این تحقیق را با متغیر وابسته، در رابطه گذاشته شد و همبستگی آنها با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت. این روابط همبستگی به صورت ماتریس در جدول (شماره ۲) آورده شده است.



نتایج جدول مذکور نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و کجرفتاری جنسی رابطه منفی معنادار وجود دارد، بدین معنی که هر چقدر سرمایه اجتماعی افراد بالاتر باشد، میزان کجرفتاری جنسی آنان کاهش پیدا می‌کند.

فرهنگ بزهکاری با این نوع از کجرفتاری رابطه مثبت معنی‌داری دارد، بدین معنی که با گسترش فرهنگ بزهکاری در سطح جامعه، بر میزان کجرفتاری جنسی نیز افزوده می‌شود.

احساس ناکامی، احساس بی‌عدالتی اجتماعی و احساس نارضایتی اجتماعی نیز با کجرفتاری جنسی رابطه مثبت معناداری دارند، بدین معنی که با افزایش احساس ناکامی، بی‌عدالتی اجتماعی و احساس نارضایتی اجتماعی در بین افراد، این نوع از کجرفتاری نیز در بین افراد افزوده می‌شود.

\*روابط همبستگی بین متغیرهای پیشینه‌ای و وابسته

در جدول ماتریسی (شماره ۳) روابط همبستگی بین متغیرهای پیشینه‌ای با متغیر وابسته آورده شده است.

جدول شماره ۳: ماتریس همبستگی متغیرهای پیشینه‌ای با کجرفتاری جنسی

متغیرها	سن	درآمد ماهیانه	تحصیلات والدین	تحصیلات فرد	کجرفتاری جنسی
سن	۱				
درآمد ماهیانه	۰/۰۲۴	۱			
تحصیلات والدین	۰/۰۵۳	۰/۰۷۸	۱		
تحصیلات فرد	۰/۲۹۲***	۰/۰۰۱	-۰/۰۱۹	۱	
کجرفتاری جنسی	۰/۷۷	۰/۱۲۷*	۰/۱۷۲***	-۰/۰۸	۱

همانطوری که جدول مذکور نشان می‌دهد، درآمد ماهیانه خانواده با کجرفتاری جنسی رابطه مثبت معناداری دارد، بدین معنا که با افزایش میزان درآمد ماهیانه خانواده، در این نمونه، بر میزان کجرفتاری افراد نیز افزوده می‌شود.

نکته قابل توجه در این جدول وجود رابطه مثبت و معنادار تحصیلات والدین با این نوع از کجرفتاری است. بدین معنا که در بین نمونه آماری این تحقیق، با افزایش سطح تحصیلات والدین، میزان کجرفتاری جنسی افزایش می‌یابد.

## نمونه‌های مستقل t \* نتایج مربوط به اجرای آزمون

در این قسمت از تحقیق با استفاده از آزمون t با نمونه‌های مستقل، معناداری تفاوت موجود بین یکسری از متغیرهای تحقیق به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

## رابطه جنسیت و کج رفتاری جنسی

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که از لحاظ میانگین نمرات کج رفتاری جنسی با فرض ناهمگن بودن واریانس‌ها، تفاوت نسبتاً متوسطی، بین دو گروه (مرد و زن) وجود دارد. به عبارت دیگر، مقایسه میانگین نمرات هر دو گروه نشان می‌دهد که مردان در مقایسه با زنان از کج رفتاری جنسی بیشتری برخوردار بوده‌اند. به طوری که میانگین نمرات متغیر کج رفتاری جنسی برای مردان ۲۳/۰۷۹۲ است، در حالی که این میانگین با ۱۳ نمره اختلاف برای زنان کمتر و در حدود ۱۰/۵۶۰۷ به دست آمده است.

جدول ۴- رابطه بین جنسیت و کج رفتاری جنسی

میانگین		آزمون t				آزمون Leven جهت همگنی واریانس‌ها		متغیر وابسته	متغیر مستقل	
زن	مرد	تفاوت میانگین‌ها	معنی‌داری (دو دامنه)	درجه آزادی	t	معنی داری	F	کج رفتاری جنسی	مرد و زن	
۱۰/۵۶۰۷	۲۳/۰۷۹۲	۱۲/۵۱۸۵	/۰۰۰	۳۷۴	۶/۲۴۷	/۰۰۰	۳۵/۱۱۳			با فرض همگن بودن واریانس‌ها
		۱۲/۵۱۸۵	/۰۰۰	۳۶۳/۳۱۶	۶/۸۴۵					با فرض ناهمگن بودن واریانس‌ها
= ۱۳۹ N	= ۲۳۷ N									

## رابطه مناطق و کج رفتاری

همانگونه که نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد، بین نوع منطقه و کج رفتاری جنسی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۵- رابطه بین نوع منطقه و کج رفتاری جنسی

شاخصهای آماری متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معناداری
کج رفتاری جنسی	۱۰/۳۴۷	۲	۵/۱۷۴	۶/۵۴۲	۰/۰۰۲

بر اساس آزمون توکی (جدول ۶) در مورد کج رفتاری جنسی مشاهده شد که شدت این نوع از کج رفتاری در کدام منطقه بیشتر و در کدام منطقه کمتر است. به عبارت دیگر کدام منطقه نسبت به سایر مناطق از فراوانی بیشتر کج رفتاری برخوردار است که نتایج در جدول ۶ آمده‌اند.

جدول ۶- نتیجه آزمون توکی (مقایسه‌های چندگانه) منطقه و کجرفتاری جنسی

متغیر وابسته	منطقه معیار (I)	سایر مناطق (J)	تفاوت میانگین (I-J)	خطای استاندارد	سطح معناداری
کجرفتاری جنسی	شمال	مرکز	۰/۳۰۸۴*	۰/۱۱۲۰۵	۰/۰۱۸
		جنوب	۰/۳۸۷۱	۰/۱۱۲۹۴	۰/۰۰۲
	مرکز	شمال	-۰/۳۰۵۴*	۰/۱۱۲۰۵	۰/۰۱۸
		جنوب	۰/۰۸۱۷	۰/۱۱۲۰۵	۰/۷۴۷
	جنوب	شمال	-۰/۳۸۷۱*	۰/۱۱۲۹۴	۰/۰۰۲
		مرکز	-۰/۰۸۱۷	۰/۱۱۲۰۵	۰/۷۴۷

#### تحلیل چند متغیری

تحلیل‌های چند متغیری در مقاله حاضر شامل، تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر به شرح زیر است:

#### تحلیل رگرسیون

##### مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در کجرفتاری جنسی

جدول (۷) ضرایب استاندارد رگرسیون کجرفتاری جنسی را بر اساس متغیرهای مستقل تحقیق در میان تمامی پاسخگویان نشان می‌دهد. یافته‌های جدول حاکی از آن است که ۱۰ متغیر مستقل در تحقیق در مجموع توانسته‌اند در حدود ۴۴ درصد از واریانس کجرفتاری جنسی را تبیین کنند ( $R^2 = 0/437$ ). ولی این میزان در  $R$  تعدیل شده به ۴۲ درصد رسیده است ( $R \text{ Adjusted} = 0/419$ ) که نسبت به  $R^2$  حقیقی‌تر است؛ چرا که نسبت به افزایش متغیرها، حساسیت کمتری از خود نشان می‌دهد. لازم به توضیح این نکته است که در هر مدل یک متغیر مستقل به همراه متغیرهای قبلی وارد معادله شده و این افزایش تراکمی متغیرها تا مدل آخر که همه متغیرها با هم وارد معادله می‌شود ادامه خواهد داشت.

در مدل شماره ۱، فرهنگ بزهکاری تأثیر مثبت معناداری را بر روی کجرفتاری جنسی از خود نشان می‌دهد، که این تأثیر را تا آخرین مدل، یعنی مدل شماره ۱۰ حفظ می‌کند. لازم به اشاره است که این متغیر، بیشترین میزان تبیین کجرفتاری اجتماعی را با  $R^2 = 0/37$  به خود اختصاص داده است.

در مدل شماره ۲، علاوه بر فرهنگ بزهکاری، متغیر سرمایه اجتماعی نیز هم زمان وارد معادله شده است که  $R^2$  را به ۴۰/۴ درصد افزایش داده است. در این مدل سرمایه اجتماعی رابطه منفی معناداری را از خود نشان می‌دهد.

در مدل شماره ۳، با ورود متغیر نارضایتی اجتماعی به جمع متغیرهای قبلی  $R^2$  به ۴۱/۳ درصد افزایش یافته، ضمن آنکه سرمایه اجتماعی جهت منفی معنی‌دار خود را حفظ کرده است.



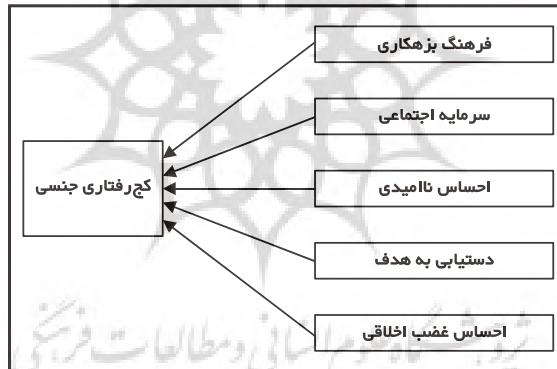
در مدل شماره ۵، احساس ناامیدی همراه با متغیرهای مدلهای قبلی وارد معادله شده که دارای رابطه مثبت معنی‌داری با کجرفتاری جنسی است.

در مدل شماره ۸، با ورود متغیر دستیابی به هدف که دارای رابطه مثبت معنی‌داری با کجرفتاری جنسی است، به معادله، احساس ناامیدی همچنان معنی‌داری خود را از دست داده است. اما در مدل شماره ۹، با ورود متغیر احساس غضب اخلاقی که دارای رابطه منفی معنی‌دار است، به معادله، احساس ناامیدی معنی‌داری خود را دوباره به دست می‌آورد و میزان  $R^2$  به  $۴۳/۶$  درصد افزایش پیدا می‌کند.

افزایش یک متغیر به متغیرهای قبلی در معادله رگرسیونی تا مدل شماره ۱۰ ادامه یافته که در این مدل متغیر فقر اقتصادی به همراه سایر متغیرهای مستقل تحقیق با یکدیگر وارد معادله شده و پنج متغیر فرهنگ بزهکاری، سرمایه اجتماعی، احساس ناامیدی، دستیابی به هدف و احساس غضب اخلاقی معنی‌داری خود را حفظ کرده‌اند. همانطور که در مدل شماره ۱ مشاهده شد، متغیر فقر اقتصادی رابطه مستقیم معناداری با کجرفتاری جنسی از خود نشان نداده است.

برای درک بهتر تأثیر متغیرهایی که به طور معنادار با کجرفتاری جنسی رابطه داشته‌اند، مدل زیر همراه با معادله رگرسیونی آنها ارائه می‌شود.

مدل تحلیلی ۱- میزان تأثیرات همزمان متغیرهای مستقل بر کجرفتاری جنسی



$$\text{کجرفتاری جنسی} = ۰/۵۵۲ (\text{فرهنگ بزهکاری}) - ۰/۱۸۹ (\text{سرمایه اجتماعی}) + ۰/۱۰۱ (\text{احساس ناامیدی}) + ۰/۱۳۶ (\text{دستیابی به هدف}) - ۰/۰۷۵ (\text{احساس غضب اخلاقی})$$

در معادله فوق، به ازای یک واحد افزایش در فرهنگ بزهکاری، کجرفتاری جنسی  $۰/۵۵۲$  افزایش خواهد یافت. همچنین به ازای یک واحد افزایش در سرمایه اجتماعی،  $۰/۱۸۹$  از کجرفتاری جنسی کاسته خواهد شد و الی آخر.

## تحليل مسير

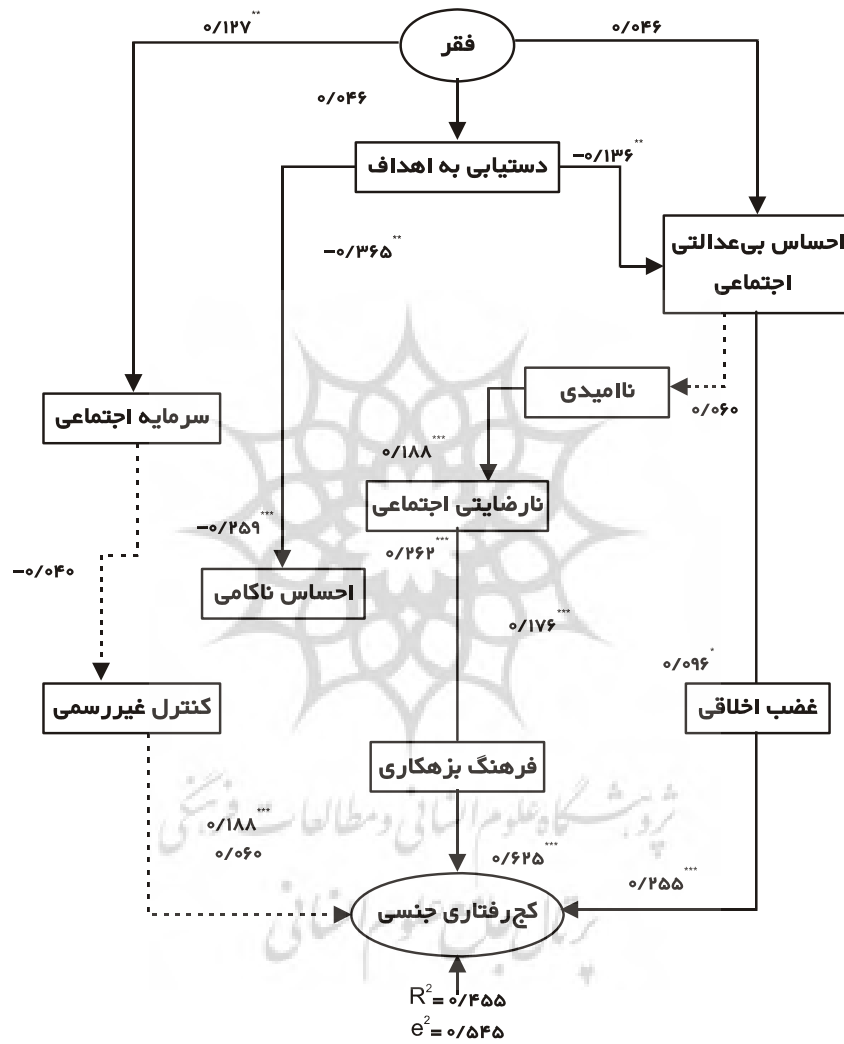
تحليل مسير به عنوان روشي براي مطالعه تأثيرات مستقيم و غيرمستقيم متغيرهائي كه علت گرفته شده‌اند در متغيرهائي كه معلول فرض شده‌اند، طراحي شده است. به عبارت ديگر، روش تحليل مسير براي آزمودن نظريه سودمند است نه ايجاد آن. از مزايي آن اين است كه کاربرد آن بيان روشن چارچوب نظري مورد استفاده را ايجاد مي‌كند (كرلينجر، پدهازور، ۱۹۷۳: ۴۰۷-۴۰۶).

همچنان كه مدل شماره ۲ نشان مي‌دهد، ميزان كجرفتاري پاسخگويان به طور معناداري با فقر، فرهنگ بزهكاري، نارضائتي اجتماعي، غضب اخلاقي، احساس ناکامي، سرمايه اجتماعي، كنترل غيررسمي، احساس نااميدي، دستيابي به هدف و احساس بي‌عدالتي اجتماعي رابطه دارد. به طوريكه مدل مذکور نزديك به ۴۵ درصد از كل واريانس كجرفتاري جنسي را تبين کرده است.

همانطور كه ملاحظه مي‌شود، در اين مدل متغير فرهنگ بزهكاري بالاترين سهم (تأثير مستقيم) را بر روي اين نوع از كجرفتاري داشته است. ميزان تأثير اين متغير (\*\*۰/۶۵۵) است. ساير متغيرهائي كه در بالا ذكر شد، نيز هر کدام تأثيرات معنادار مستقيم و غيرمستقيمي بر روي متغير وابسته داشته‌اند. مسيره‌هاي معنادار با خطهاي ممتد و مسيره‌هاي غيرمعني‌دار، با خطهاي بريده از يكدیگر تفكيك گشته‌اند.



مدل شماره ۲- تحلیل مسیر



### نتیجه گیری

هدف اصلی این تحقیق، بررسی رابطه بین فقر اقتصادی جوانان و میزان کجرفتاری از نوع جنسی آنها در شهر تهران بود که به منظور بررسی این مسئله و مکانیسم‌های تأثیرگذار آن، طبق معمول تئوری‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و تا حدودی عوامل تعدیل‌کننده این رابطه مشخص شد. سپس با الهام از این دیدگاه‌ها و با هدف توسعه یک مدل ترکیبی، رابطه بین فقر اقتصادی و کجرفتاری و همچنین عوامل واسط در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به داده‌های به دست آمده از پیمایش، با استفاده از آزمون‌های مختلف آماری، مدل توسعه داده شده و روابط بین سازه‌های آن مورد آزمون قرار گرفت. بدین صورت فرضیات اصلی تحقیق مورد آزمون واقع شده و نتایج زیر به دست آمد.

نتایج بدست آمده از آزمون‌های همبستگی، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر در تحقیق حاضر، حاکی از آن است که بین فقر اقتصادی و کجرفتاری، رابطه غیرمستقیم معنادار وجود دارد، که این متغیر بیشترین تأثیرش را بر روی کجرفتاری از طریق فرهنگ بزهکاری، احساس ناکامی و غضب اخلاقی می‌گذارد.

بر اساس نتایج آزمون‌های همبستگی، ابعاد متغیر مستقل اصلی تحقیق یعنی فقر اقتصادی، با متغیر وابسته رابطه معناداری مشاهده نشد، و این امر بیانگر وجود رابطه معنادار از طریق مکانیسم‌ها و متغیرهای بینابین است. چنانکه مدل تحلیل مسیر این مدعا را نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج آزمون‌های همبستگی و تحلیل رگرسیون، بین سرمایه اجتماعی و کجرفتاری جنسی، رابطه منفی معناداری وجود دارد، بدین معنا که هر چقدر بر سرمایه اجتماعی افراد افزوده شود از میزان این نوع از کجرفتاری کاسته خواهد شد.

نتایج به دست آمده از آزمون‌های همبستگی، تحلیل رگرسیون، و تحلیل مسیر در تحقیق حاضر، حاکی از آن است که بین فرهنگ بزهکاری با کجرفتاری جنسی رابطه مثبت معنادار وجود دارد، بدین مفهوم که با گسترش فرهنگ بزهکاری در سطح جامعه، بر میزان این نوع از کجرفتاری نیز افزوده می‌شود. بر اساس ملاحظات مدل‌های رگرسیونی و همبستگی، احساس ناامیدی با کجرفتاری جنسی رابطه مثبت و معناداری دارد، بدین معنی که با افزایش احساس ناامیدی بین افراد در سطح جامعه بر میزان کجرفتاری آنان نیز افزوده می‌شود.

بر اساس نتایج آزمون‌های همبستگی و تحلیل مسیر، احساس ناکامی با کجرفتاری جنسی رابطه مثبت معناداری از خود نشان داده است، بدین معنا که با افزایش احساس ناکامی در بین جوانان، بر میزان کجرفتاری آنان نیز افزوده می‌شود.

همانطور که نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد، احساس غضب اخلاقی با کجرفتاری جنسی دارای رابطه مثبت معنادار است.

بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون در مورد کجرفتاری جنسی نیز به عنوان یکی از ابعاد متغیر وابسته، فقر اقتصادی رابطه معنی‌داری به صورت مستقیم از خود نشان نداده است و سه متغیر تبیین‌کننده در مدل رگرسیونی عبارت بودند از فرهنگ بزهکاری، سرمایه اجتماعی و احساس ناامیدی که توانسته‌اند ۴۲/۵ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

نتایج مربوط به آزمون t نشان داد که بین جنسیت و کجرفتاری رابطه معناداری وجود دارد، بدین صورت که با مقایسه میانگین نمرات هر دو جنس مشاهده شد که مردان در مقایسه با زنان از کجرفتاری بیشتری در برخوردار بوده‌اند. همچنین در مورد رابطه وضعیت تأهل و کجرفتاری مشاهده گردید که مجردان در مقایسه با متأهلان از کجرفتاری بیشتری برخوردار بوده‌اند. با استفاده از آزمون تحلیل واریانس مشخص گردید که بین نوع مناطق (شمالی، مرکزی و جنوبی) و کجرفتاری جنسی، رابطه معنادار وجود دارد. با استفاده از آزمون توکی، شدت آن در مناطق مختلف مشخص گردید و نتایج زیر به دست آمد:

بیشترین فراوانی کجرفتاری جنسی، به ترتیب در مناطق مرکزی، شمالی و جنوبی.

### منابع

- ازکیا، مصطفی، فقر، آسیب‌پذیری و توسعه، مطالعه موردی منطقه گرمسار، نامه علوم اجتماعی، دور جدید، شماره ۲۰، پائیز و زمستان ۱۳۸۱.
- بست، ژان میشل، جامعه‌شناسی جنایت، ترجمه فریدون وحید، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- پیران، پرویز، نگاهی به مفهوم فقر و فقرزدایی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۸-۱۰۷، ۱۳۷۵.
- پیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ اول، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۳۶۷.
- ترنر، جانانان اچ، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- دواس، دی. ای، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ساروخانی، باقر، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ساعی، علی، «آمار در علوم اجتماعی با کاربرد نرم‌افزار SPSS / PC در پژوهش‌های اجتماعی»، چاپ دوم، تهران، مؤسسه نشر جهاد وابسته به جهاددانشگاهی، پائیز ۱۳۷۷.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه: روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰.
- کرلینجر، پدهازور، ۱۹۷۳: رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه حسن سربابی، جلد اول، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- کلاتری، خلیل؛ پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر شریف، ۱۳۸۲.
- کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا، وندالیسم، نشر آن، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه‌شناسی، انتشارات آگاه، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۸.
- ممتاز، فریده، مفهوم کجرفتاری در دیدگاه دورکیم، در پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۳۰، صفحه ۷۵ تا ۸۵، ۱۳۸۰.
- ممتاز، فریده، انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- وایت، راب، هینز، فیونا، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۲۰۰۳.

- Bursik Robert J. (1988). Social disorganization & theories of crime & delinquency problems & prospects. **Criminology**, Vol. 26, No. 4, P. 519-551.
- Hindelay Michael J. 1978, Race and involvement in common law personal crimes. **American sociological review**. Vol. 43 (February), P. 93-109.
- Horton Paul B. & Hunt Chester L. (1984) **Sociology**, Singapore. McGraw-Hill justice. No. 31, P. 15-29.
- Kuper Adam & Jessica Kuper, (2001) **the social science encyclopedia**, second edition. Routledge-Newyork.
- Markowitz, Fred E. (2003), socioeconomic disadvantage & violence recent research on culture & neighborhood control as explanatory mechanisms. **Aggression and violent behavior**. No 8, P. 145-154.
- Siegel Larry J. (2001) **Criminology**, theories & typologies. Copyright 2001, Wadsworth.
- Thornberg Terence & R. L. Christenson (1984). Unemployment & criminal involvement: an investigation of reciprocal causal structures. **American sociological review**. Vol. 49(June), P. 398-411.

